

۱۲۰ هنرمند ایران خواستار صلح میان کشورهای همسایه شدند

## هوشمندانه و با اتحاد نقشه جنگ افروزان را برهم زدید

بیش از ۱۲۰ نفر از هنرمندان، فیلمسازان و کشتگران عرصه فرهنگ و هنر ایران در بیانیه‌ای خواستار صلح میان کشورهای همسایه خود، جمهوری آذربایجان و ارمنستان شدند.

در متن این بیانیه آمده است: دهه‌هاست خاورمیانه جولانگاه قدرت‌های غارتگری شده است که با شیوه‌های گوناگون از آن جمله تفرقه‌افکنی و جنگ افروزی، کشورها را چپاول می‌کنند؛ آنها، همزیستی و صلح، میان ملت‌ها و اقوام را سدی در برابر طمع سیری‌ناپذیر خود می‌دانند. اینک، بار دیگر استثمارگران، ملت‌های قفقاز و اقوام گوناگون منطقه را که در گذر سالیان کناریکدیگر با صلح و آرامش زندگی می‌کردند به جنگ واداشته‌اند. جنگ‌افروزان با نقشه‌ای قدیمی و با تحریک احساسات ملی، قومی و مذهبی، میان ارمنی‌ها، آذری‌ها، کردها و دیگر اقوام، تفرقه‌افکنی می‌کنند و زمینه‌های تجزیه کشورها را برای غارت منابع طبیعی و ثروت‌هایشان فراهم می‌سازند. سرمایه‌الاری این‌بار آتش جنگ را میان کشورهای جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان به بهانه قره‌باغ برافروخته و می‌خواهد



دامنه آن را به کشورهای پیرامون و همسایه، بویژه ایران که در درازنای تاریخ، بستر همزیستی و همسبستگی اقوام گوناگون بوده است، گسترش دهد. اکنون خجایع این جنگ، روز به روز فراگیر شده و گروه‌های تروریستی به منطقه عسیل شده‌اند تا با جنایت و نسل‌کشی، راه چپاول ملت‌ها هموار شود.

ما کشتگران گستره فرهنگ و هنر، از ملت و اقوام گوناگون ایرانی و کشورهای همسایه می‌خواهیم که خود را از آتش جنگ دور کرده و هوشمندانه و با اتحاد، نقشه جنگ‌افروزان را برهم زنند. از سوی دیگر لازم است دولت‌های دایعه‌دار حقوق بشر و سازمان‌های جهانی، از آن جمله سازمان ملل متحد، تنها به انتشار بیانیه‌های تکراری اکتفا نکنند و برای پایان دادن به این جنگ که بی‌گمان هزاران کودک و زن و مرد، قربانی آن خواهند شد، اقدامی عملی و فوری را در دستور کار خود قرار دهند.

بر همه وجدان‌های بیدار است که به حرمت انسان، این جنگ را محکوم کرده و طریقین را به گفت‌وگو و صلح دعوت کنند و اجازه ندهند بار دیگر تمدن‌های با شکوه منطقه، خرد و نابود شده و مردم این سرزمین‌ها قربانی منافع سرمایه‌داری و جنگ‌طلبان شوند.

کیانوش عباری- جعفر پناهی- بهمن فرمان آرا - واروژ کریم مسیحی - عزیزالله حمیدنژاد- حمید نعمت‌الله- علی مصفا - علبرضا رئیس‌یان- همایون اسعدیان- یعقوب امدادیان- کامبوزیا پرتوی- کیومرث پوراحمد- هانیه توسلی- محمدعلی نجفی- محسن‌ن امیریوسفی- محمدمهدی عسگریور- داریوش فرهنگ- مهوش شیخ‌الاسلامی- مصطفی آل‌احمد- شهرام اقبال‌زاده- محسن‌ الوان‌ساز- مصطفی امامی- یعقوب امدادیان- ستار اورکی- مریم اورنگ- پرویز بابایی- رضا بابک- حسن برزیده- مهدی بوستانی-شهربابکی - عبدالحمید بازوکی- ژینوس پدرام احمد پوری- عزیزالله حاجی‌م‌شدهی- فردین خلعتبری- ابوالحسن داوودی- علبرضا داوودنژاد- امید رئیس‌دانا- مریم رئیس‌دانا و... از امضاکنندگان این بیانیه هستند.

### گزارش تئاتر



چهره روز

شان کانی درگذشت

## الماس‌ها ابدی اند

**فرهنگی/** از دایره سیاه و سفیدی که خطوطش می‌چرخید، سایه مردی تفنگ به دست آشکار می‌شد، شلیک می‌کرد و این‌گونه جیمز باند معرفی می‌شد. داستان عشق به جیمز باند برای اهالی سینما در سال ۱۹۶۲ با «دکتر نو» ترنس پانگ آغاز شد و شان کانی با برق چشم‌های خاص و لهجه غلیظ اسکاتلندی‌اش در نقش مأمور ۰۰۷ یا سرویس مخفی ملکه انگلستان یکی از قهرمان‌های دوست‌داشتنی تاریخ سینما شد. بازیگری که با هفت بار تکرار این نقش

# اختتامیه چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان به صورت آنلاین برگزار شد



گزارش جشنواره

**فرهنگی/** چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان با معرفی برگزیدگان بخش‌های موسیقی دستگاهی، نواحی و کلاسیک به ایستگاه پایانی رسید. تالار وحدت شاه‌نامه جمعه (نهم آبان‌ماه) با حضور خواننده‌ها و نوازنده‌هایی در گروه‌های سنی الف، ب و ج اختتامیه متفاوتی را تجربه کرد، اجرایی که به دلیل بیماری کرونا بدون حضور داوران و شرکت‌کنندگان جشنواره و به صورت آنلاین از طریق صفحه اینستاگرام انجمن موسیقی ایران پخش شد.

■ **یادی از خسرو آواز ایران در جشنواره چهاردهم**

اما این دوره از جشنواره جدا از اجرا و رقابتی متفاوت که با حضور ۲ هزار و ۳۵۰ شرکت‌کننده برگزار شد، توانست نسبت به دوره‌های قبل، علاقه‌مندان بسیاری را به خود جذب کند تا آنجا که برخی شرکت‌کنندگان از شهرهای مختلف برای نخستین بار در این آزمون حضور و رقابت داشتند. اما یکی از بخش‌های ویژه آیین اختتامیه چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان، یادبود خسرو آواز ایران بود که در این بخش برخی داوران جشنواره نظیر حسین علیزاده، حمیدرضا نوربخش، محمدرضا درویشی، داریوش پیرنیakan، بهروز همتی، علی‌صغر شاه‌زیدی، داوود گنج‌اهی و حسین بهرزی‌نیا از محمدرضا شجریان گفتند و یاد این استاد بزرگوار را گرامی داشتند. نکته دیگر اینکه هومان اسعدی، دبیر جشنواره پیشنهاد کرد در آینده و در زمان مقتضی جایزه‌ای ویژه به نام و یاد استاد شجریان در همین جشنواره یا رویدادهای مشابه تدارک دیده شود.

■ **به نسل آینده موسیقی ایران امیدوارم**

اما در ابتدای مراسم اختتامیه پیام سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط سیدعباس سجادی مجری مراسم قرائت شد. و بعد از آن پیام حسین علیزاده آهنگساز و ناینده بخش موسیقی ایرانی برای چهاردهمین جشنواره موسیقی جوان پخش شد.

در بخشی از این پیام آمد: «جوان‌ها به ما

## تماشاخانه «تئاتر مستقل تهران» تعطیل شد

محسن بوالحسنی

خبرنگار



و عبور از این بزنگاه بزرگ و البته تلخ نشد. تماشاخانه‌هایی امروز با این وضعیت بفرنج رویه‌رو هستند که روزگاری، برای عظیم‌از روی تئاتر ایران برداشند و ضمن این، باعث شدند تئاتری‌ها دسترسی بیشتری به سالن‌های نمایش داشته باشند و همین در نهایت به رشد و پیشرفت تئاتر منجر شد و حالا خبر می‌رسد که یکی از این تماشاخانه‌ها یعنی «تماشاخانه مستقل تهران» به گفته مدیر این تماشاخانه برای همیشه، چراغ خانه‌اش را خاموش کرده است. مصطفی کوشکی در یادداشتی تلخ

(از روسیه با عشق، پنجه طلایی، گلوله آتشین، تنها دوبار زندگی می‌کنی، «الماس‌ها ابدی‌اند» و «هرگز دوباره نگو هرگز»)» به ستاره‌ای جهانی تبدیل شد و چهره‌های معروف دیگر همچون راجر مور، جرج لازبنی و تیموتی دالتون هیچ‌کدام نتوانستند حضور قوی و تأثیرگذار او را بر پرده سینما تکرار کنند. نقطه ثقل کارنامه بازیگری شان کانی حضور در همین نقش حساس است. اگر چه او در ابتدا به عنوان یک بازیگر معتبر تئاتر مطرح شد و سال ۱۹۸۸ با بازی در فیلم «تسخیرناپذیران» به کارگردانی برایان دی‌پالما، برنده جایزه اسکار بهترین

اختتامیه چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان به صورت آنلاین برگزار شد



سخنانی گفت: «پیش از هر چیز بر خود واجب می‌دانم که یادی کنم از بزرگمرد جاذبانه موسیقی ایران‌زمین، استاد محمدرضا شجریان که ما نیز در نهمین دوره از جشنواره ملی موسیقی جوان افتخار میزبانی و همراهی ایشان به عنوان عضو شورا‌های تخصصی را داشتیم، ولی متأسفانه در ادامه کار تقدیر یارمان نبود... از طرف خودم و استادان و همکاران گرانقدرم به جامعه موسیقی و ملت ایران عمیقاً تسلیت عرض می‌کنم... امیدوارم در آینده و در زمان مقتضی جایزه‌ای ویژه به نام و یاد ایشان، به گونه‌ای که شایسته و درخور شأن و منزلت این بزرگمرد تاریخ موسیقی ایران و جهان باشد، در همین جشنواره یا رویدادهای مشابه تدارک دیده شود.» اسعدی که هشت دوره دبیری این جشنواره را برعهده داشته بیان کرد: «به‌دلیل شرایط جهانی و عالمگیر کرونا، در این دوره از جشنواره با وضعیت پیچیده و پُر چالشی مواجه بودیم اما، علی‌رغم تمام این پیچیدگی‌ها، با حمایت و همکاری مسئولان محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همکاران عزیزم در انجمن موسیقی ایران و بویژه استادان گرانقدر، این دوره از جشنواره نیز به‌طور شایسته‌ای برگزار شد. در هر حال توانستیم امسال بیشترین تعداد شرکت‌کننده را جذب کنیم (حدود ۲۴۰۰ شرکت‌کننده) که از تمامی ادوار پیشین جشنواره تعداد بیشتری بوده است و این مهم حاکی از بارقه‌های امیدی است که علی‌رغم این وضعیت، امید به زندگی و نقش موسیقی در تحمل این شرایط و امیدبخشی به آینده قابل توجه بوده است... به امید روزهایی بهتر، هم برای موسیقی و هم برای مردم ایران و جهان.»

پس از صحبت‌های اسعدی متن پیام محمد الهیاری مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان به مخاطبان ارائه شد و در پایان بیات داوران چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان، برگزیدگان بخش‌های مختلف را اعلام کردند.

یکشنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۹

سال بیست و ششم

شماره ۷۴۸۰

بازیگر مرد نقش مکمل شد و علاوه بر آن دو بفتا و سه جایزه گلدن گلوب را در کارنامه خود ثبت کرد اما نقش جیمز باند او را به قله شهرت رساند. از سایر فیلم‌های مهم او می‌توان به «مارنی» آل‌فرد هیچکاک، «ایندیانا جونز و آخرین جنگ صلیبی»، «صخره»، «مردی که می‌خواست شاه باشد»، «شکار برای اکبر سرخ»، «قتل در قطار سریع‌السیر شرق»، «به نام زر»، «رابین هود» و... اشاره کرد. کانی پس از فیلم سینمایی «انجمن نجیب‌زادگان عجیب» به کارگردانی استیون نورینگتون در سال ۲۰۰۳ در هیچ فیلم سینمایی ظاهر نشد و وقشت

### گزارش روز

۱۴ مرداد بود که انفجار بزرگی در بندر بیروت، پایتخت لبنان رخ داد و ساختمان‌های زیادی در منطقه اشریفه را تخریب کرد. فاجعه بزرگی رخ داد و خسارت زیاد معنوی، مالی و انسانی به بار آورد.
حال بعد از گذشت چندماه هنرمندی از لبنان با استفاده از شیشه و قلوه سنگ‌هایی که از انفجار بیروت باقی مانده بود، مجسمه الهام بخشی ساخته است.
در مصاحبه‌ای که از سایت CNN منتشر شد، حیات ناظر گفته به خاطر نمی‌آورد که هیچ‌گاه لبنان در صلح بوده باشد؛ ولی شخصیت خود را به قدری پرورش داده که حتی در این شرایط نیز بتواند درد و اندوه خود را به هنرهای زیبا تبدیل کند. او در زمان انفجار در راه بیروت بوده که انبار بزرگ آمونیوم نیترات در بندر بیروت منفجر شد. حیات ناظر این انفجار را دردی بزرگ دانست: «انفجار قلب من را شکست، من از درون خرد شده بودم و اصلاً حال روحی خوبی نداشتم، تمام مردم لبنان شکسته شده بودند.» مثل تمام ساکنان منطقه، حیات نیز به نیروهای کمکی-مردمی ملحق شد و به تلاش برای جمع‌آوری آوار و برگرداندن شکوه سابق به شهر پرداخت.

در این حین بود که او متوجه شد می‌تواند با بازمانده‌هایی که از انفجار جمع‌آوری کرده شروع به ساخت مجسمه‌هایی کند که برای مردم یادآور وحدت و تولد دوباره شان باشد: «وقتی چنین چیزی را حس کردم باید کمک می‌کردم و با هنر زخم‌هایی را که وجود داشت التیام می‌بخشیدم، پس با واقعیت روبه رو شدم و گذشته را پشت سر گذاشتم و تصمیم گرفتم کاری کنم که هموطنانم نیز بهبود یابند.»

ناظر هفته‌های متعدد در خیابان‌های بیروت قدم می‌زد و به جمع‌آوری ضایعات آهن، شیشه‌های شکسته و زباله برای ساخت مجسمه‌اش می‌پرداخت: «من به خانه‌هایی رفتم که پس‌از انفجار چیزی جز آوار از آنها نمانده بود و از آنها خواستم هر چیزی را که می‌تواند درون مجسمه من جا داشته باشد به من بدهند. من واقعاً شگفت زده شدم، مردم وسایلی به من دادند که بسیار کاربردی بود؛ وسایلی که از زمان بچگی هایشان نگه داشته بودند، یادگاری‌هایی از ازدادشان که در جنگ کشته شده بودند و حتی چیزهایی که می‌خواستند برای فرزندان شان به یادگار

درباره «حیات ناظر» که نتیجه دردش هنر اوست

# داستان ما ناگفته نمی‌ماند

بگذارند. در درون تمامی اشیا احساسات عمیقی تنیده شده بود.»

زمانی که وسایل مورد نیاز حیات ناظر جمع‌آوری شد، او آنها را کنار هم قرار داد و زنی به وجود آمد که پرچم لبنان را بالا برده، مو و لباس‌هایش در جهت باد بود. درون این مجسمه ساعتی وجود دارد که در لحظه ۰۶:۰۸ ثابت شده است؛ ساعت درست لحظه انفجار را نشان می‌دهد. مجسمه‌ای که هنوز نامی برایش انتخاب نشده است: «من او را بانوی جهان یا بانوی آزادی می‌نامم. اما هرکس می‌تواند او را به هنرنامی که دوست دارد بنامد و پیشنهاد اسمش را به آدرس اینستاگرام بفرستد.»

برای حیات روند ساخت مجسمه راحت بود؛ اولین باری نبود که او برای لبنان چنین هنر اجتماعی را به وجود می‌آورد.

مدت‌ها قبل از انفجار، ناظر شغلش را در وزارت ارتباطات رها کرد و برای ایجاد امید در دل مردم به هنر روی آورد: «به‌طور ناگهانی به من الهام شد باید احساسم را نقاشی کنم. این بازی بود که نمی‌توانستم آن را سرکوب کنم. باید از شغلم استعفا می‌دادم زیرا حس می‌کردم بدون تمرکز روی هنرم، آن طور که باید به شرایط حاکم بر جهان تأثیر نمی‌گذارم.»

آثار او مجسمه‌سازی، نقاشی‌های دیواری و نقاشی روی بوم را شامل می‌شود. در سال ۲۰۱۹ او مجسمه‌ای به‌نام «ققنوس» ساخت که از چادرو پسمادهای باقی مانده در جریان آشوب‌های سیاسی لبنان ساخته شده بود. مجسمه، پرنده‌ای افسانه‌ای بود که از خاکستر خودش مجدد به دنیا می‌آید. او برای مجسمه قلب بزرگ و غول‌آسا از سنگ و قوطی اسپری گاز اشک‌آور باقی مانده از شورش‌ها درست کرد.

ناظر، در اینستاگرامش توضیحاتی درباره آثارش داده. او گفته بیشتر آثار به‌دست نیروهایی که تحمل انتقاد از دولت را ندارند، نابود شده است. حیات ناظر می‌ترسد به سرنوشت آخرین مجسمه‌اش دچار شود: «بعد از ویرانی شما می‌توانید خانه و ساختمان‌ها را از نو بسازید ولی چیزی که جبران پذیر نیست خاطره‌ها و سرگذشت لبنان است. دولت ما تمامی چیزهایی را که یادآور اتفاقات گذشته است از بین می‌برد. این جنکین است که دستاوردها را تا این حد خاص می‌کند. ما با هنرمان صدای خود را بلند می‌کنیم، داستان ما ناگفته نمی‌ماند.»



## زادگاه قصه‌های مجید «قصه‌خانه» می‌شود

اشاره کرده، اینکه خانه بزرگانی از ادبیات جهان همچون خفوف، بنهوون و ویکتور هوگو را دیده، با این‌حال تأکید دارد که برای حفظ خانه بزرگان ضرورتی ندارد که این افراد حتماً چهره‌های جهانی باشند چراکه به‌هرحال اهمیت برخی هم تنها برای جامعه خودشان است؛ افرادی که می‌توانند الگویی برای آیندگان باشند و باید برای حفظ یادگارهای به جای مانده از آنان تلاش کرد. خانه‌ای که قرار شده به «قصه‌خانه» تبدیل شود در محله سرچشمه، نزدیک امامزاده یحیی و بازارچه نواب و درست روبه‌روی خانه مدرس قرار گرفته است. خانه‌ای که نزدیک سه دهه میزبان مرادی کرمانی بوده است؛ خانه‌ای که مجید مشهور قصه‌هایش در آن متولد و بزرگ شد و بعدها هم سر از تلویزیون درآورد. آن‌طور که مرادی کرمانی گفته این خانه قرار شده علاوه بر «قصه‌خانه» جنبه کتابخانه‌ای هم داشته باشد، خانه‌ای که با همراهی شهرداری منطقه ۱۲ حفظ شده است. آن‌طور که در بخش دیگری از گزارش اینستاگرام، علی‌محمد سعادت، شهردار منطقه ۱۲ تهران هم از مرمت این خانه خبر داده و گفته که سگفرش کوچه ولایه‌برداری دیوارها از اولین اقدام‌ها در این زمینه خواهد بود. هوشنگ مرادی کرمانی طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲ در این خانه زندگی کرده و بسیاری قصه‌هایش هم در همین خانه نوشته شده‌اند.

### گزارش ادبیات

**گروه فرهنگی/** هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده‌ای که حتی فراتر از اهالی کتاب، میان علاقه‌مندان سینما و تلویزیون هم چهره‌ای شناخته شده به شمار می‌آید از تبدیل خانه‌اش به «قصه‌خانه» خبر داد. بخش عمده‌ای از نوشته‌های مرادی کرمانی در این خانه بوده که به صفحات کاغذ راه یافته و درنهایت منتشر شده‌اند؛ از قصه‌های مجید که به لطف مجموعه‌ای تلویزیونی به کارگردانی کیومرث پوراحمد به خانه اغلب ایرانیان راه پیدا کرد تا فیلم‌هایی سینمایی همچون «مهمان مامان» به کارگردانی داریوش مهرجویی که هر یک به‌نوعی روایتگر بخشی از زندگی و حتی انعکاسی از فرهنگ روزگار معاصرمان هستند. اغلب آثار این نویسنده که به کشورهای دیگر هم راه یافته‌اند و حتی جوایز و تقدیرهای بین‌المللی ازجمله جایزه «هانس کریستین اندرسن» مشهور به نوبل کوچک ادبیات را برای او به ارمغان آورده‌اند در این خانه نوشته شده‌اند، مرادی کرمانی در گفت‌وگویی با ایسنا، گفته: «چکیده نویسنده‌گی من در این خانه است و «قصه‌های مجید» که معروف‌ترین شان است در این خانه نوشته شده‌اند؛ مجید در اینجا به دنیا آمد و بزرگ شد.» مرادی کرمانی مهم‌ترین دلیل در حفظ خانه مشاهیر را در این دانسته که اینها مصادیقی از ویرین فرهنگی هر کشوری هستند که باید در جهت حفظ آنها برای نسل‌های آینده تلاش کرد. او حتی به برخی تجربه‌های شخصی‌اش